



بسم الله الرحمن الرحيم

به همه جوانان عزیز و حضار محترم خوشامد عرض می‌کنم. البته روز سیزدهم آبان به عنوان یک عید شناخته نمی‌شود؛ اما به عنوان یک روز ملی شناخته می‌شود. یادبودها و خاطره‌هایی که در طول سال، ملتها آنها را به عنوان روز ملی یا جشن ملی بزرگ می‌شمارند، باید در خود مضمونی نهفته داشته باشند. هرچه این مضمون عمیقتر باشد، آن روز برای آن ملت از جنبه نمادین اهمیت بیشتری دارد. با این حساب، روز سیزدهم آبان حقیقتاً یک روز مهم است. این روز به عنوان «روز ملی مبارزه با استکبار» نامگذاری شده است. مسأله، مسأله استکبار است؛ بحث یک دولت یا یک رژیم خاص نیست. البته امروز در دنیا مظهر استکبار - با همان معنای زشت و نفرت‌انگیزش - امریکاست، والا مسأله دشمنی با یک نژاد یا با یک ملت یا با یک کشور نیست. مسأله این است که هر ملتی برای خود عزت و شخصیتی دارد و مایل نیست قدرتهای بیرونی، با اتکاء به زور یا فریب، آن عزت را بازیچه قرار دهند. هر ملتی ثروتی دارد و مایل نیست که آن ثروت چپاول شود.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ما جزئی از مجموعه امپراتوری امریکا در این منطقه محسوب می‌شد و خیلی هم وفادار به امریکا بود. سیاستهای امریکا در ایران و به وسیله این کشور، در هر جایی که در آن دستی داشت، اعمال می‌شد. ثروتهای ملی به صورت رایگان در اختیار امریکا بود. عناصر سیاسی، دولت، مجلس فرمایشی و نمایشی و دستگاه قضایی وابسته آن روز، همه در اختیار اراده امریکاییها بود. کشورهای همسایه ما هم غالباً کم و بیش همین طور بودند. البته آن روز رقیب بزرگ امریکا در دنیا شوروی بود، که آن هم در همسایگی ما قرار داشت و به همین جهت امریکاییها پنجه سلطه‌ی خود را در کشور ما خونینتر و بی‌محاباتر فرو کرده بودند. در این کشور اوضاعی بود! کشور ما که زیر سلطه امریکا بود - با این همه غارتی که امریکا از این کشور کرد - حتی یک قدم به سمت پیشرفت برنداشت. در آن دوره نه پیشرفت علمی کردیم، نه پیشرفت اقتصادی کردیم و نه یک کار صنعتی انجام دادیم. یک کشور صد در صد وابسته و مصرف‌کننده بازار مصنوعات امریکایی و غیر امریکایی بودیم. نه فقط مصرف‌کننده مصنوعات و فرآورده‌های صنعتی، بلکه مصرف‌کننده محصولات کشاورزی و فرهنگی و غیره هم بودیم! یک منطقه ثروتمند مثل ایران، ملک طلق سیاستهای امریکایی و در اختیار کمپانیهایی بود که دولت امریکا را هم در حقیقت همانها اداره می‌کردند و می‌کنند.

وقتی نهضت اسلامی از سال چهل و یک شروع شد، خطر این نهضت را پیش از همه، دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی امریکا احساس کردند. لذا در سال چهل و سه امام را از ایران تبعید کردند - البته دولت ایران تبعید کرد؛ اما پشت سر قضیه، اراده امریکاییها بود - و به کشور همسایه ما بردند، که آن جا هم تحت سلطه نظامیان و دولتهای وابسته به امریکا بود.

اولین مضمون سیزده آبان عبارت است از رویارویی رژیم امریکا با نهضت اسلامی و بیداری اسلامی. علت هم این بود که آنها حدس می‌زدند اگر اسلام در دل مسلمانان احیاء شود و در عمل آنان تجلی پیدا کند، این قضیه منحصر به ایران نخواهد ماند و دنیای اسلام را فراخواهد گرفت؛ همچنان که بعد از پیروزی انقلاب، در فلسطین، لبنان و بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی، همین معنا تجربه شد. با گذشت چند سال، نهضت اسلامی در ایران اوج گرفت. در سیزده آبان سال پنجاه و هفت - قبل از پیروزی انقلاب - کشتار دانش‌آموزی پیش آمد؛ یعنی باز چهره خشن رژیم که پشت سرش دستگاههای اطلاعاتی امریکاییها بود، نمایان شد. این هم باز مقابله با نهضت اسلامی بود؛ البته با خشونت حیوانی. همان روزها رئیس جمهور امریکا و دست‌اندرکاران رسانه‌ای امریکایی، از ایران به عنوان یک نقطه ایده‌آل و جزیره ثبات و امنیت اسم می‌آوردند و به آن تفاخر می‌کردند و از حرفهای حقوق بشر و چیزهایی که الان می‌شنوید امریکاییها دائم تکرار می‌کنند، هیچ خبری نبود!



اما سیزده آبان سال پنجاه و هشت آن روی سکه بود و ورق برگشته بود؛ یعنی این نهضت با پایداری ملت مسلمان و رهبری امام بزرگوار به پیروزی رسیده بود. بنابراین موزیکری و دسیسه امریکایی علیه کشور به شکل دیگری صورت می گرفت. در این جا سفارتخانه خودشان را به مرکزی برای خرابکاری تبدیل کرده بودند؛ چه خرابکاری سیاسی، چه جاسوسی، چه خریدن اشخاص و شخصیت‌هایی که در انقلاب وارد بودند. یکی از ابزارها همین است که شخصیتها و افراد مؤثر و بانفوذ را بخرند. همه جا و همیشه هم آدم‌های بی ایمان و بی وجدان یا سست بنیاد پیدا می شوند که یک دست ثروتمند و قدرتمند بتواند آنها را خریداری کند. قیمت آدم‌ها هم متفاوت است؛ بعضیها را ارزان می خرند، بعضیها را یک خرده گرانتر می خرند! اگر شما به اسناد لانه جاسوسی - که ظاهراً شصت، هفتاد جلد کتاب یا بیشتر منتشر شده است - مراجعه کنید، جای پای این خیانتها را می بینید. اینها عکس العمل ملت ایران را به همراه داشت. مظهر شهامت و سرعت عمل ملت ایران هم دانشجویان بودند؛ آن هم دانشجویانی که پیرو خط امام بودند، نه دانشجویی وابسته به فلان حزب سیاسی یا فلان تشکیلات گوناگون و بی ایمان؛ نه، دانشجویی که خط امام را قبول داشت و به آن مؤمن بود. آنها شهامت لازم را یافتند و رفتند سفارتخانه را تصرف کردند و این اسناد را بیرون کشیدند. مضمون سیزده آبان، اینهاست؛ یعنی مقابله با زورگویی، دسیسه و استکبار.

استکبار، یعنی روح تکبر و بی اعتنائی به ارزشهای ملت‌های دیگر و دخالت در امور ملتها و به خود حق دادن؛ همین چیزی که الان در کلمات رؤسای امریکایی ملاحظه می کنید. راجع به دخالت خودشان در عراق یا هر جای دیگر طوری حرف می زنند، مثل این که اینها صاحبان دنیایند! واقعاً انسان کمتر دولتی را می تواند پیدا کند که با لحنی حرف بزند که اینها راجع به کشورهای خاورمیانه حرف می زنند! این کشورها را مال خودشان می دانند. استکبار یعنی این. علیه نظام جمهوری اسلامی خیلی فشار آوردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. عریده جویب‌هایی که شما امروز ملاحظه می کنید، قدرت نمایب‌هایی که امریکاییها می کنند، اینها طبیعت قدرتهای استکباری است؛ باید فریاد بکشند و تهدید کنند؛ اصلاً بخش مهمی از قدرت آنها ناشی از همین تهدیدهاست! ملت و مسؤولان یک کشور را مرعوب کنند و خواسته های خود را در سایه مرعوب شدنشان، به آنها تحمیل کنند؛ قضیه این است. والا این طور نیست که امریکا این قدرت را داشته باشد که بدون هزینه های سنگین غیرقابل تحمل، به کشوری حمله نظامی کند؛ نخیر، هروقت لازم باشد، اینها حمله نظامی را به کار می گیرند؛ منتها شرط اول آن این است که بدانند در آن حمله نظامی ناکام نخواهند شد و توی دهنشان نخواهد خورد. آن جایی که احتمال دهند قدرت مقاومتی وجود دارد، هرگز چنین خطری را متحمل نمی شوند. ثانیاً حمله نظامی را وقتی انجام می دهند که خواسته های خود را از طریق دیگری نتوانند به آن کشور تحمیل کنند. با تهدید و فریاد و جنجال و جو سازی سیاسی و قدرت رسانه ای سعی می کنند خواسته های خود را بر آن کشور تحمیل کنند.

در مورد کشور عزیز و ملت شجاع و مقاوم ولی مظلوم ما، امریکاییها همه چیزها را تجربه کرده اند. این هم یک تجربه است که فریاد بکشند، تهدید کنند، بترسانند و در سایه ترساندن، کارهای خود را پیش ببرند. آنچه آنها در مورد کشور عزیز ما و شما ملت شجاع و مؤمن ایران - بخصوص شما جوانان - آرزو دارند، مجموعه چند چیز است که در کنار هم آن را دنبال می کنند: یکی این است که با ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی و خدای نکرده با خریدن بعضیها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند و نگذارند دولت ایران - که یک دولت اسلامی است و پرچم اسلام را بلند کرده است - به مطالبات حقیقی و بحق مردم رسیدگی کند. نظامی که می خواهد سلطه خود را در کشور ما مثل گذشته دو مرتبه برقرار کند و پنجه خود را در جسم این ملت فرو ببرد، این یکی از کارهای لازم برای اوست. اگر در این کار موفق شوند، نتیجه این خواهد شد که مردم را از نظام اسلامی دلسرد کنند. لذا می بینید در تبلیغات رسانه ای بسیار وسیع خود، به طور دائم تبلیغ می کنند که مردم به خواسته های خود نرسیدند و ناراضی و دلسردند.

کار دومی که آنها می خواهند تحقق پیدا کند، این است که دلبستگیها و انگیزه های اساسی ای که می تواند این ملت را مقاوم و به صورت یکپارچه در مقابل آنها نگه بدارد، ضعیف کنند؛ باورها را برگردانند، ایمانها را عوض کنند، امیدها را کور کنند و آینده و افق را تیره و تاریک و مبهم جلوه دهند. ابزار کار آنها هم رسانه است. رسانه ها در دنیا



خیلی قدرت دارند و به نفع صاحبان خود، کارهای خیلی بزرگی را انجام می دهند. بدانید و می دانید که مهمترین رسانه های دنیا - چه خبرگزاریها، چه رادیو و تلویزیونها، چه روزنامه های بزرگ - متعلق به سرمایه داران است؛ یعنی همان پایه های اصلی استکبار جهانی. در خبرهایی که در دنیا پخش می کنند، همه چیز بر طبق منافع و مصالح آنها تنظیم می شود. بنابراین، این هم یک خواسته است که مردم و جوانان را از جانمایه امید و توان و تلاشی که آنها را در مقابل دشمن متجاوز و متعرض نگه می دارد، تهیدست کنند.

یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال می کنند، این است که وحدت ملی و وحدت بین مسؤولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروههای مردم را با نامهای مختلف از هم جدا کنند و میان آنها دیوار بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحثهای مجادله آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند. انقلاب اسلامی آمد دیوارها را برداشت و ملت را یکپارچه کرد؛ اما اینها درست عکس آن را دنبال می کنند. با طرح مسائل انحرافی، از طرف دیگر وحدت مسؤولان کشور را از بین ببرند؛ بین آنها دائم اختلاف بیندازند؛ یکی را تضعیف و یکی دیگر را تقویت کنند. این اهداف را دنبال می کنند. من می خواهم این را بگویم: آنچه آنها انجام می دهند، کارهایی است که خودشان هم ناامیدند که به نتیجه برسد و می دانند به نتیجه نخواهد رسید. اگر ما هوشیار باشیم و وظیفه خود را بدانیم و به آن عمل کنیم، همه تدابیر دشمن، ناموفق خواهد بود.

یکی دیگر از کارها این است که ملت را مرعوب نشان دهند؛ در حالی که ملت و جوانان ما مرعوب نیستند. امتیاز ملت ما این است که بیشترین نسبت جوان را در بین ملتهای دنیا دارد. جوان، سرشار از امید و نشاط است و مایل است کاری به او محوّل کنند و آن را با شجاعت و خطرپذیری انجام دهد. اینها سعی می کنند ملت را مرعوب کنند؛ اگر نتوانستند مرعوب کنند، با جوسازی و نظرسازی مجعول، وانمود کنند که ملت مرعوب شده است. با نظرسازیهایی که عواملشان از طریق بعضی از تیتروهای روزنامه ها و بعضی از نوشته های انسانهای واداده و مرعوب درست می کنند، خود آنها هم دچار اشتباه می شوند و خیال می کنند واقعاً امیدی برایشان هست؛ در حالی که امیدی نیست و تیزبینانشان می دانند که در این جا امیدی نیست؛ لذا سعی می کنند شاید بتوانند برای مقاصد خود جایابی پیدا کنند.

ملت باید وحدت خود را حفظ کند. دو بسیج عمده در این کشور لازم است: اول، بسیج مردم، بخصوص جوانان است. باید برای آماده سازی خود و احیای عزت کشور و ملت و برافراشته نگهداشتن پرچم اسلام بسیج شوند؛ چون همه مشکلات این کشور در سایه اسلام و عمل به قوانین اسلام حل خواهد شد. جوانان خودسازی کنند - هم خودسازی علمی، هم خودسازی اخلاقی و معنوی و دینی، هم خودسازی جسمی - و روحیه و امید خود را برای دفاع از این کشور حفظ نمایند که این سرمایه بسیار بزرگی است؛ نقطه مقابل آن چیزی است که دشمن مایل است در ایران اتفاق بیفتد. در اجتماعات مختلف و در برخوردهایی که بحمدالله با نسل جوان و قشر جوان دارم و آنچه از مسائل جوانان منعکس می شود، می بینم که در جوانان ما بحمدالله این استعداد و آمادگی وجود دارد. برخلاف خواست دشمن، اکثریت جوانان ما آماده هستند که هر وقت و هر طور لازم باشد، از کشور و نظام و دین و شرف و عزت ملی خود دفاع کنند. اجتماعات مردمی، همین را نشان می دهد.

در آخر ماه مبارک رمضان - که در آستانه این ماه قرار داریم و ان شاءالله از برکات آن باید همه استفاده کنیم و وارد سفره ضیافت الهی شویم - روز قدس است؛ دفاع مردم از ملت مظلوم و مقاوم فلسطین در آن روز روشن خواهد شد. الان فلسطینیها، دست تنها و بدون سلاح و امکانات، مجهزترین رژیم منطقه را که پشتیبانش امریکاست - یعنی رژیم صهیونیستی - در داخل خانه خودشان عاجز کرده و به ستوه آورده اند. نتوانستند با این ملت مقاوم کاری کنند؛ مقاومت ملتها این گونه است. استکبار و امریکا این را می دانند. می دانند که اگر ملتها ایستادگی کردند، هیچ نیروی نظامی ای نمی تواند بر ملتی که مرعوب نیست و حاضر است از شخصیت و هویت و عزت و آینده خود دفاع کند، مسلط شود. اوضاع رژیم صهیونیستی دائماً در حال تلاطم است؛ اما ملت فلسطین محکم ایستاده و مقاومت می کند و پرامید است و به ملتهای دیگر امید می دهد. آنها نمونه شجاعت را از خود نشان می دهند.

البته ملت عظیم و کشور پهناور و گسترده ایران و قدرت سیاسی ای که امروز در دست ملت است، قابل مقایسه با



هیچ کشور و هیچ ملتی نیست؛ عظمت این ملت خیلی بیش از اینهاست. ملت و جوانان باید آماده باشند و ترس از دشمن را در دل خود جای ندهند؛ چون دشمن می‌خواهد در سایه این رعب، خرده فرمایشها و تحمیل‌های خود را بر گردن این ملت سوار کند؛ بدون این که هزینه یک کار بزرگ و یک دخالت نظامی را متحمل شود. این مربوط به ملت است.

مسئولان هم باید بسیج دوم را بکنند؛ بسیج در راه خدمت. مسئولان اجرایی کشور باید توانایی خود را در گشودن گره‌های کار مردم نشان دهند. همین مسأله اشتغال را که از سال گذشته بارها گفته شد - امسال هم مکرر گفته شده و دنبال شده و فعالیت‌هایی هم بحمدالله شروع کرده‌اند - باید به سرانجامی برسانند. باید مبارزه با چپاولگری مفسدان اقتصادی را - هرچا لانه کرده باشند - به طور جدی دنبال و سفره‌های فساد اقتصادی را جمع کنند. باید توانایی خود را در این کار نشان دهند؛ مردم این را متوقعند و این توقعی است بحق. تمام مسئولان کشور - اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه - در این زمینه‌ها مهمترین مسؤولیتهای خود را دارند؛ نگذارند دشمن امیدوار بماند.

ما می‌توانیم. امکانات به اندازه کافی در اختیار مسئولان کشور هست برای این که بتوانند کارها را انجام دهند. شرطش این است که کار را وجهه همت اصلی قرار دهند. سرگرمی‌های سیاسی، طرح مسائل غیرلازم و خیالی، بزرگ کردن مسائل کوچک و در سایه بزرگ کردن آنها، پوشاندن مسائل اصلی کشور، مضر است. مسائل اصلی کشور، مسأله اقتصاد و مسأله علم و ارتقای پایه علمی دانشگاهها و همان جنبش نرم افزاری است که ما بارها در دانشگاهها و در دیدار با دانشجویان و اساتید در میان گذاشته ایم؛ همچنین مسأله حفظ روحیه و فرهنگ دینی جوانان است. اینهاست که می‌تواند یک ملت و بخصوص ملت ما را سرپا و مستحکم نگهدارد و توطئه‌های دشمن را خنثی کند. بنابراین مسئولان اولاً در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی و در زمینه مبارزه با مفسدان و مخربان تلاش کنند و کار را وجهه همت خود قرار دهند. دوم این که اختلافات را کنار بگذارند. این اختلافات و دوگانگیها برای مصالح کشور و منافع مردم و نیروی مقاومت در مقابل دشمن، زیانبار است.

قانون اساسی با اتقان کامل، ساختار سیاسی کشور را مشخص کرده و هر کس در جای خود وظیفه اش معلوم است. همه، وظایف خود را انجام دهند؛ با هم معارضه نکنند؛ وحدت کلمه را حفظ کنند و مرعوب دشمن هم نشوند. البته بحمدالله مسئولان عالی رتبه کشور ما مرعوب دشمن نیستند؛ خوب می‌فهمند و می‌دانند؛ تکیه شان به قدرت ملی - که قدرت خدا و قدرت ایمان مردم است - خیلی بالا و قوی است؛ می‌دانند دشمن نمی‌تواند کاری بکند؛ اما بعضی در گوشه و کنار ممکن است مرعوب شوند. مرعوب شدن از دشمن، خیلی مضر است؛ تحلیلها و دیدگاهها را عوض می‌کند، تصمیم‌گیریها را خراب و عمل را دچار اختلال می‌کند.

هم ملت و هم مسئولان بدانند، قدرت بزرگی که این ملت در انقلاب عظیم اسلامی نشان داد و توانست استکبار جهانی را مات و مبهوت کند، همچنان در این ملت به قوت خود باقی است. به این قدرت اعتماد کنند، آن را قدر بدانند و در سایه این قدرت و با توکل به خداوند بزرگ، کارهای کشور را دنبال کنند. اسلام به فضل الهی با همت و تلاش مسئولان و ملت عزیزمان خواهد توانست در دنیا امت بزرگ اسلامی را روسفید کند. از خداوند متعال می‌خواهیم ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را در حق ملت عزیزمان و در حق شما جوانان مستجاب فرماید و همه ما را خدمتگزار راه اسلام و انقلاب و سربلندی این کشور قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته